ناشنیده‌های خواندنی از خدمات اجتماعی «شیخ حسنعلی نخودکی»

چرا شهرت عارف مشهدی که بر طب و فلسفه نیز مسلط بود، ایران را فراگرفت؟

جواد نوائیان رودسری – ایران اسلامی، مهد پرورش عارفان نامی و سالکان بلندآوازه‌ای است که در حیات طیبه خود، با تمسک به تشرّع، در پی کسب قربت حق بودند و آشنای طریق بندگی. اینان در این مسیر مبارک، دستگیر مشتاقان لقای پروردگار می‌شدند و در صحنه حیات اجتماعی، چنان حیات معنوی و بندگی پروردگار، یکه‌تاز میدان خیر بودند؛ مصداق بارز پیوند ناگسستنی بندگی خدا و خدمت به خلق. در میان این نامداران زاهد و عارفان صاحب‌نظر، نام شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی، برای مردم ایران و به‌ویژه شهروندان مشهدی، نامی آشنا و دلپذیر است. با این حال، نباید مرحوم نخودکی را محبوب مرزهای جغرافیایی دانست؛ او در میان همه مؤمنان و دلبستگان راه توحید، دوستداران و ارادتمندانی دارد که هنگام زیارت بارگاه منوّر رضوی و پس از عرض ادب به پیشگاه امام مهربانی‌ها، علی بن موسی‌الرضا(ع)، زیارت قبر آن شیعه راسخ اهل بیت(ع) را بر خود فرض می‌دانند. این شهرت فراگیر، سبب شده است که هر کس به طریقی، درباره عظمت روح و شخصیت آن عارف کامل سخن‌پردازی کند و گاه، داستان‌هایی غیرمستند در اطراف زندگی او شکل گیرد. یکی از بی‌انصافی‌هایی که در حق مرحوم نخودکی شده، رها کردن زندگی اجتماعی و توجه صرف به زندگی شخصی و عارفانه اوست؛ رویکردی که باعث می‌شود ثمره واقعی عرفان اسلامی به چشم جویندگان آن نیاید و کمال انسانی این چهره‌های نامدار در دو عرصه توامان بندگی خدا و خدمت به خلق، مکتوم باقی بماند. در این نوشتار مختصر برآنم تا ضمن اشاره‌ای کوتاه به مقامات معنوی آن سالک عارف، به ناشنیده‌هایی درباره حیات اجتماعی او نیز بپردازم؛ رضوان و رحمت پروردگار بر او باد.

■ **عارفی که «قانون» بوعلی آموخت**

حسنعلی مقدادی اصفهانی که به سبب سکونتش در قریه نخودک مشهد به «نخودکی» شهرت یافته است، در ۱۵ ذی‌القعده سال ۱۲۷۹ (۱۴ اردیبهشت ۱۲۴۲)، در اصفهان و در خانواده‌ای اهل معرفت دیده به جهان گشود. او تحصیلات علوم دینی را در حوزه اصفهان آغاز کرد و در کنار تهذیب نفس که از همان ابتدا مورد توجه و علاقه‌وی بود، در درس استادان بنامی همچون میرزا جهانگیرخان قشقایی حاضر شد. آن مرحوم بعدها به نجف و سپس مشهد مهاجرت و در این دو شهر مقدس نیز، از محضر استادانی همچون سیدمحمد فشارکی، میرزا حبیب‌ا... رشتی و محمدحسن مامقانی کسب فیض کرد. در دوران جوانی، مدتی را به فراگیری طب مشغول بود و نزد میرزا جعفر طبیب به فراگیری «قانون» بوعلی پرداخت و بخشی از وقت خود را صرف درمان بیماران نیازمند می‌کرد. شیخ نخودکی افزون بر این‌ها، به علم‌الحساب نیز تسلط داشت و آن را به برخی از شاگردانش آموزش می‌داد. او با فلسفه نیز، بیگانه نبود و حتی به برخی علاقه‌مندان آن، با شرط عدم دخالت فلسفه در مباحث دینی، این دانش را تدریس می‌کرد. او در میان سالی جامع معقول و منقول بود و شهرت زهد و عبادتش، در میان همه اهل کمال پیچید. با همه داستان‌هایی که در اطراف عبادت‌های طولانی و تهجدهای شگفت‌آور وی نقل شده، امر مسلّم آن است که او هرگز در این مسیر، از جاده شرع انور خارج نشد و ریاضت‌هایش جملگی بر مبنای توصیه‌های معصومین(ع) و اولیای الهی بود. همین پایبندی به دستورهای شرعی و عدم تخطی از آن‌ها بود که از مرحوم نخودکی، عارفی اجتماعی و مردمدار ساخت. او شاگردانی برجسته تربیت کرد که از میان آن‌ها می‌توان به آیت‌ا... العظمی سیدشهاب‌الدین مرعشی نجفی و آیت‌ا... حسنعلی مروارید اشاره کرد.

■ **عبادت به جز خدمت خلق نیست**

باور برخی از عوام آن است که سالکان و زاهدان را با دنیای دون کاری نیست و پرداختن به این امر، برای آن‌ها مذموم است. به همین دلیل، این افراد، اشتغال عارفان به رفع حوائج خلق را، نوعی خروج از مسیر زهد می‌پندارند و باور نادرست خویش را، عین صواب می‌شمرند. در حالی که سیره ائمه اطهار(ع) جز این را نشان می‌دهد. شیخ حسنعلی نخودکی، با تمام زهد و انجام مداوم ریاضت‌های شرعی، یک لحظه از مشکلات خلق غافل نبود. آن چه بیش از زهد و سلوک شگفت‌انگیز او، در زندگی مبارکش به چشم می‌آید، مردمداری و در فکر حوائج خلق بودن است. آن مرحوم، با تسلطی که بر طب سنتی داشت، همواره به داد ضعیفان و فقرایی می‌رسید که به‌ویژه در روستاهای اطراف مشهد، از بیماری ناداری و جسمانی رنج می‌بردند. برای مردم، شیخ نخودکی پزشکی بود که هم امراض روحی را درمان می‌کرد و هم به فریاد مبتلایان به امراض جسمی می‌رسید؛ پزشکی که مراجعه به مطب او، وقت قبلی نمی‌خواست و شبانه‌روزی بود. مراجعات به منزل شیخ آن قدر وقت و بی‌وقت اتفاق می‌افتاد که یک بار فرزندش از او خواست برای مراجعه مردم و رفع حوائج آن‌ها، زمانی را تعیین کند؛ اما شیخ به او پاسخ داد: «پسرم! لیس عند ربّنا صباح و لا مساء، آن کس که برای رضای خدا به خلق خدمت می‌کند، نباید که وقتی معین کند.» مرحوم آیت‌ا... مروارید، یکی از شاگردان مبرز شیخ، درباره خدمت او به مردم می‌گوید: «هر روز جلوی منزل او و حتّی در محل تدریس او، بیماران صف می‌کشیدند و از او دعا می‌خواستند و آن بزرگ، همیشه با روی خوش با آن‌ها برخورد می‌کرد و گاه برای پیدا کردن نوعی از گیاهان دارویی، به کوه‌ها و نواحی اطراف مشهد مقدّس می‌رفت و کمتر در شهر بود.» شیخ با این همه شهرت، کمترین توجهی به مال دنیا نداشت و به شاگردان خود نصیحت می‌کرد: «مادام که چشم بر این متاع بی‌قدر و این دنیای پست دوخته داری، بدان که معامله تو با زیان همراه و اساس معنویّت هم‌عنان تباهی است و روی تو در قیامت عبوس خواهد بود و گمان مبر که زیرکانه عمل می‌کنی؛ پس از این خانه هلاکت، پهلو تهی کن و روی به سوی خانه آخرت نما تا روی تو خرّم گردد و دیده‌ات به سوی پروردگار ناظر و روشن شود.» آن عارف سالک، سرانجام در روز ۱۷ شعبان سال ۱۳۶۱ (۸ شهریور ۱۳۲۱) دار فانی را وداع گفت و مردم ایران را به سوگ نشاند. پیکر مطهرش در جوار مضجع شریف امام هشتم(ع) مدفون و مورد توجه خاص و عام است.

درسی که «سلطان محمود» از شطرنج آموخت

گزارش تاریخی

ری، یکی از مناطقی بود که سلطان‌محمود غزنوی، پس از فتوحات هندوستان، سودای تصرف آن را داشت. چندی پیش در همین صفحه به شما خوانندگان محترم خراسان عرض کردیم که سیاست سیده‌ملک‌خاتون، مادر امیر خردسال آل‌بویه در ری، مانع از هجوم لشکریان غزنوی به این شهر شد. اما با درگذشت این بانوی ارجمند و فاضل در سال ۴۱۹ هـ.ق، سلطان محمود تصمیم گرفت به رؤیای خود جامه عمل بپوشاند و ری را به متصرفاتش منضم کند، اما برای این کار به دنبال بهانه بود؛ بهانه‌ای که مجدالدوله، امیر جوان و بی‌تجربه دیلمی در ری با دعوت از محمود غزنوی برای کمک به دفع شورش سردارانش، به دست وی داد. به این ترتیب، با فرمان محمود، علی حاجب، یکی از سردارانش که بر نیشابور ولایت داشت، در سال ۴۲۰ هـ.ق، راه ری را پیش گرفت و در نزدیکی شهر اردوزد. محمود غزنوی هم که می‌خواست با حضورش در مناطق غربی ایران، سلطه خود را بر این نواحی تثبیت کند، شخصاً راهی ری شد. هنگامی که علی حاجب به ری رسید، مجدالدوله به خیال این که محمود غزنوی شخصاً به ری آمده است، به استقبال او رفت، اما حاجب طبق دستور محمود، مجدالدوله را دستگیر و محبوس کرد. با ورود محمود به ری، مجدالدوله را نزد وی آوردند. او زبان به شکایت گشود که سلطان غزنه با وی جوانمردانه رفتار نکرده است. پاسخ محمود به مجدالدوله زیرکانه و قابل تأمل بود. محمود پرسید: آیا تو شطرنج بازی می‌کنی؟ مجدالدوله پاسخ داد: اتفاقاً در آن تبحر دارم! محمود گفت: بعید می‌دانم چنین باشد؛ چون اگر شطرنج‌باز بودی، می‌دانستی که دو شاه نباید به یکدیگر نزدیک شوند و نمی‌توانند در یک خانه بگنجند. چرا با وجود آگاهی از این قانون شطرنج، شخصاً به نزد من آمدی؟ این کار به دور از سیاست تو مرا به فکر انداخت که حکومتت را برانداز م. محمود دستور داد مجدالدوله و اطرافیانش را به غزنه تبعید کنند.

راز حمله خرگوش‌های روسیه به ناپلئون!

تاریخ جهان

ناپلئون روز ۷ ژوئیه ۱۸۰۷ (۱۵ تیر ۱۱۸۶)، در کنار رودخانه «نمان» در شهر تیلسیت که امروزه با نام «سووتسک» شناخته می‌شود و در خاک روسیه قرار دارد، با الکساندر، تزار روس، پیمان‌نامه‌ای امضا کرد که متضمن برقراری صلح میان دو کشور بود. روز بعد از امضای پیمان، تزار روسیه از ناپلئون دعوت کرد تا در یک برنامه شکار که به افتخار او در مرغزارهای اطراف تیلسیت برگزار می‌شد، شرکت کند. امپراتور فرانسه با کبکبه و دبدبه خاص خودش وارد شکارگاه شد. ملازمان تفنگ‌ها را پر کردند و در انتظار خرگوش‌هایی ماندند که قرار بود مقابل لوله تفنگ آن‌ها قرار بگیرند. طبق رسم معمول، روس‌ها تعداد زیادی خرگوش از بازار تیلسیت خریدند تا در شکارگاه رها کنند. ناپلئون که با کمک دوربین و سگ‌های شکاری به رصد شکارگاه مشغول بود، ناگهان دید تعداد زیادی خرگوش با سرعت به سمت او و افرادش می‌آیند. رفتار عجیب خرگوش‌ها و سرعت حرکت آن‌ها، وحشت فرانسوی‌ها را برانگیخت! اما مدتی بعد، این حمله خرگوشی متوقف شد. حیوان‌های زبان‌بسته در اطراف ناپلئون و در فاصله یکی دو متری او به جست‌وخیز پرداختند. دیگر شکار معنا و مفهومی نداشت. تزار که از این افتضاح سخت عصبانی بود، به پیشکار دستور پیگیری داد. معلوم شد که کارپرداز، به جای خرید خرگوش‌های وحشی، خرگوش‌های اهلی خریداری کرده است و آن زبان‌بسته‌ها هم که غیر از ناپلئون و اطرافیانش، آدم دیگری را نزدیک خود نمی‌دیدند، به سمت آن‌ها آمده‌اند! به این ترتیب، هجوم خرگوشی به ناپلئون در تیلسیت به خیر گذشت!

آگهی فقدان سند مالکیت – نظر به اینکه آقای امیر حسین پیوندی زاده برابر وکالتنامه های شماره ۱۹۹۴۹ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۷ دفترخانه ۱۱۲ مشهد به وکالت از طرف ورثه مرحوم مهین پیوندی زاده و ۴۸۲۸۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۲۱ دفترخانه ۸۵ مشهد بوکالت از طرف خانم شهین پیوندی زاده و ۷۴۸۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۲۴ دفترخانه ۱۷۳ بابل بوکالت از طرف ورثه مرحومه ناهید پیوندی زاده و ۴۳۸۳ مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۱۳ دفترخانه ۲۶۲ مشهد بوکالت از طرف آقای سعید پیوندی زاده باستناد ۸ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است ۴ جلد سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب سالن مجزی شده از ششدانگ ده درب دکان و یک راهرو زیرزمینی و یکباب عمارت فوقانی بشماره پلاک ۱۳ فرعی از ۲۲۶۳ اصلی بخش یک مشهد که متعلق به نامبردگان میباشد به علت سهل انگاری مفقود گردیده است . با بررسی دفتر املاک ، معلوم شد مالکیت نامبرده در ذیل شماره ثبت ۳۲۰۵ دفتر ۳۱ صفحه ۳۲۹ بنام آقای سعید و خانمها مهین و ناهید و شهین نام خانوادگی پیوندی زاده (سعید نسبت به دو پنجم ودختر ها هر کدام نسبت به یک پنجم از سه دانگ باستثناء ثمن اعیان) ثبت و اسناد به شماره چاپی ۵۱۳۶۷۵ الی ۵۱۳۶۷۸ صادر گردیده است .دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد.. لذا باستناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس – محمدجواد غلامی ۹۹۰۱۰۴۰۲/م

آگهی فقدان سند مالکیت
آقای سید مجتبی جمالی رضوی با ارائه استشهاد محلی گواهی امضاء شده طی درخواست ۹۹/۲۱۸۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۱۴ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی میزان یکصد و بیست سهم مشاع از یک میلیون و ششصد و شصت و سه هزار و ششصد سهم ششدانگ پلاک ۲۲۷- اصلی واقع در بخش ده طرقبه شاندیز که پلاک فوق الذکر به شماره شناسه الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۸۰۰۰۶۵۵ ثبت گردیده و حسب اعلام مالک متقاضی سند مالکیت در اثر سهل انگاری مفقود شده را نموده است در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی تا چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود می باشند ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه تا مراتب صورت جلسه گردد. چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود. م الف ۷۳۸- تاریخ انتشار : ۱۳۹۹/۰۲/۲۹- حسن ابوترابی – رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان طرقبه شاندیز ۹۹۰۱۰۳۵۵/م

آگهی فراخوان عمومی
جذب سرمایه گذار جهت سرمایه گذاری، طراحی ، بازسازی، احداث، بهره برداری از مجموعه اسکواش در مجموعه ورزشی انقلاب تهران
فدراسیون اسکواش جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد به منظور انتخاب سرمایه گذار واجد شرایط قانونی جهت انجام سرمایه‌گذاری، طراحی ، بازسازی، احداث،بهره‌برداری از مجموعه اسکواش در مجموعه ورزشی انقلاب تهران از طریق تشریفات قانونی فراخوان عمومی وارزیابی سرمایه گذاری و عقد قرارداد، با شرایط زیر اقدام نماید:
• موضوع سرمایه گذاری : سرمایه گذاری، طراحی ، بازسازی، احداث،بهره برداری از مجموعه اسکواش در مجموعه ورزشی انقلاب تهران
• مدت قرارداد سرمایه گذاری و بهره برداری: جمعا شامل دوره ساخت و بهره برداری به میزان نه (۹) سال شمسی شامل:
مدت ساخت : یکسال شمسی از زمان تحویل زمین
مدت بهره برداری : هشت سال شمسی
• مهلت مراجعه و ارائه مدارک ارزیابی: از تاریخ شنبه مورخ ۹۹/۲/۲۷ لغایت پایان وقت اداری روز یک شنبه مورخ ۹۹/۳/۱۱ به مدت ده روز کاری
• آدرس محل دریافت اسناد و تسلیم مدارک ارزیابی:تهران ، خیابان نلسون ماندلا، خیابان انصاری ،پلاک ۶ / طبقه سوم جنوبی دبیرخانه فدراسیون اسکواش تلفن تماس و دریافت اطلاعات: ۶۰-۵۰-۲۶۲۰۶۳۴۰ از ساعت ۱۴-۹ بعدازظهر
• آخرین مهلت دریافت اسناد و تحویل پاکات ارزیابی: پایان وقت اداری روز یک شنبه مورخ ۹۹/۳/۱۱
• زمان بازگشایی و بررسی اسناد ارزیابی: حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه شنبه ۹۹/۳/۱۳
• بازگشایی پاکات ارزیابی حداقل با یک پیشنهاد دهنده انجام خواهد شد.
• هزینه آگهی و کارشناسی تعیین قیمت پایه بعهده برنده فراخوان است.
• درج این آگهی هیچگونه تعهدی برای فدراسیون ایجاد نمی نماید و فدراسیون در رد یا قبول همه یا هریک از پیشنهادات واصله مختار خواهد بود.
• مهلت مندرج در این آگهی قابل تمدید نمی باشد.
علاقه مندان در طول مهلت ارائه شده جهت اطلاع بیشتر می توانند نسبت به مراجعه حضوری به روابط عمومی فدراسیون اقدام یا به سایت فدراسیون به آدرس www.squashiran.ir مراجعه و یا با شماره تلفن های مندرج در این آگهی تماس حاصل نمایند.
فدراسیون اسکواش جمهوری اسلامی ایران
۱۳۸
۹۹۰۳۰۴۶۹/ت

واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

آگهی افزایش سرمایه و حق تقدم شرکت حوله یاس سپید مشهد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۸۴۶ و شناسنامه ملی ۱۴۰۰۵۹۴۷۹۴۶
بدین وسیله و به موجب ماده ۱۶۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ به اطلاع کلیه سهامداران شرکت حوله یاس سپیدمشهد (سهامی خاص)می رساند که در تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۲۴ طبق مصوبه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام شرکت،افزایش سرمایه شرکت که کل مبلغ ۱۲۵.۳۵۹.۹۳۵.۵۲۰ ریال آن از طریق پرداخت نقدی و مطالبات حال شده سهامداران تادیه خواهد شد و جمعا با مبلغ قبلی سرمایه که مبلغ ۳۶۴.۶۴۰.۰۶۴.۴۸۰ ریال بوده به مبلغ ۴۹۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال افزایش پیدا خواهد کرد مورد تصویب قرار گرفت و اختیار آن از طرف مجمع برای اجرا و ثبت افزایش سرمایه به هیأت مدیره تفویض گردیده است لذا سهامدارانی که مطالبات حال شده ندارند به مدت ۶۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی مهلت دارند نسبت به اعمال حق تقدم خود برای خرید سهام اقدام و مبلغ پیشنهادی را به حساب شماره ۱۲۳۸۳۰۳۵۸۸۸۰۳ بانک سپه شعبه ممتاز احمدآباد مشهد کد ۱۲۳۸ به شماره شبا IR۳۸۰۱۵۰۰۰۰۰۰۱۲۳۸۳۰۳۵۸۸۸۰۳ واریز و رسید آن را به دفتر شرکت تحویل یا انصراف خود را کتبا به دفتر شرکت واقع در شهرستان چناران،شهرک صنعتی،فاز یک،صنعت ۱۳ کوشش ۶ اعلام نمایند. بدیهی است عدم پرداخت وجه و ارائه رسید یا عدم اعلام انصراف در هرصورت دلیل بر انصراف می باشد.
سرمایه شرکت از مبلغ ۳۶۴.۶۴۰.۰۶۴.۴۸۰ ریال منقسم به ۳.۸۴۳.۱۷۱ سهم ۹۴.۸۸۰ ریالی به مبلغ ۴۹۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال منقسم به ۴.۹۰۰.۰۰۰ سهم ۱۰۰.۰۰۰ ریالی افزایش پیدا خواهد کرد.
تعداد ۱.۰۵۶.۸۲۹ سهم جدید به پیشنهاد هیأت مدیره و تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت برای عرضه به اعضای جدید در اختیار هیأت مدیره قرار گرفت که به واجدین شرایط واگذار نماید.سهامداران در خرید سهام به میزان سهام خود حق تقدم دارند ولی در صورت نبود خریدار برای باقی یا عدم خرید توسط سهامداران،برای باقی سهامداران محدودیتی برای خرید سهام بیش از میزان درصد سهام خود وجود ندارد.مبلغ اسمی سهام همان مبلغ اسمی ۱۰۰.۰۰۰ ریال می باشد و فقط کسانی حق خرید سهام را دارند که از نظر هیأت مدیره تخصص لازم و مرتبط با موضوع فعالیت شرکت را داشته باشند.سهام صادرشده عادی بوده و امتیاز خاصی ندارند.
هیأت مدیره شرکت حوله یاس سپید مشهد (سهامی خاص)
۹۹۰۱۰۲۰۸/م

مناسبت

به‌مناسبت روز جهانی موزه

نخستین موزه ایران چگونه ساخته شد؟

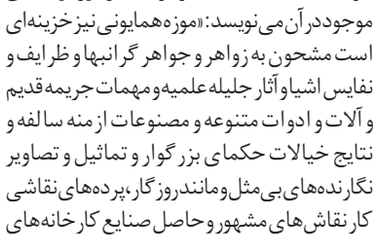

اعتمادالسلطنه

امروز، روز جهانی موزه و میراث فرهنگی است. شاید بسیاری از شما خوانندگان عزیز گمان کنید که عمر احداث موزه در ایران، در نهایت به دوران پهلوی اول و تأسیس موزه ایران باستان برمی‌گردد؛ یعنی چیزی در حدود ۹۰ سال. اما جسارتاً عرض می‌کنم که اشتباه فکر می‌کنید! فکر تأسیس موزه در ایران، نخستین بار توسط تحصیل کردگان بازگشته از فرنگ، در دوره قاجاریه مطرح شد. اگر بخواهیم دقیق بگوییم، در دوره ناصرالدین شاه. ظاهراً این پیشنهاد را محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه به شاه قاجار داد؛ او تحصیل کرده دانشگاه سوربن در رشته تاریخ و جغرافیا بود و اشتیاق فراوانی به حفظ آثار و ابنیه تاریخی داشت. ناصرالدین‌شاه که اصولاً صاحب شمّ هنری و به چنین کارهایی متمایل بود، دستور داد قسمتی از کاخ گلستان را که در آن هدایای سفرای خارجی به شاه ایران نگهداری می‌شد، تخریب و برای موزه و همچنین، یک کتابخانه مجهز آماده کنند. به این ترتیب، نخستین موزه ایران با حمایت شاه قاجار و تلاش‌های اعتمادالسلطنه شکل گرفت. اعتمادالسلطنه درباره ظاهر موزه و اشیای موجود در آن می‌نویسد: «موزه همایونی نیز خزینه‌ای است مشحون به زواهر و جواهر گرانبها و ظرایف و نفایس اشیا و آثار جلیله علمیه و مهمات جریمه قدیم و آلات و ادوات متنوعه و مصنوعات از منه سالفه و نتایج خیالات حکمای بزرگوار و تماثیل و تصاویر نگارنده‌های بی‌مثل و مانند روزگار، پرده‌های نقاشی کار نقاش‌های مشهور و حاصل صنایع کارخانه‌های معروف و ظروف چینی بسیار ممتاز، کارچین و سور و انگلیس و ژاپن و بلور آلات کارخانه ساکس و نیز و سایر کارخانه‌های معتبر و مسکوکات قدیم با صور سلاطین معظم ایران». ظاهراً بازدید از این موزه، جنبه عمومی نداشته است و فقط سفرا یا افراد خاص می‌توانستند از آن بازدید کنند. بعدها موزه ناصری به اتاقی در مدرسه دارالفنون منتقل شد و در این مکان، اندکی بر حجم بازدیدکنندگان آن افزودند! اشیای نخستین موزه ایران، بعدها به موزه‌های ساخته‌شده در تهران منتقل شد.